



مجموعه مقالات

همایش تبارشناسی شخصیت

میرزا کوچک جنگلی

جلد اول

به کوشش: عباس پناهی

دبیر علمی همایش ملی شهید میرزا کوچک جنگلی

سرشناسه	: همایش ملی تبارشناسی شخصیت میرزا کوچک و نهضت جنگل (۱۴۰۱: رشت)
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه مقالات همایش تبارشناسی شخصیت میرزا کوچک جنگلی / گردآورنده: دکتر عباس پناهی (دبیر علمی همایش ملی شهید میرزا کوچک جنگلی).
مشخصات نشر	: رشت: نشر بلور، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۰ ص.
شابک	: ج: ۱: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۸-۱۳۵-۸ ج: ۲: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۸-۱۳۶-۵ دوره: ۱-۱۳۴-۹۷۸-۶۲۲-۲۹۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ ق. -- سرگذشتنامه -- کنگره‌ها
موضوع	: میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ ق. -- کنگره‌ها
موضوع	: نهضت جنگل، گیلان، ایران، ۱۳۴۰-۱۳۳۳ ق. -- کنگره‌ها
موضوع	: Jangal movement, Gilan, Iran, ۱۹۲۱-۱۹۱۴ - Congresses
موضوع	: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. -- جنبش‌ها و قیام‌ها -- کنگره‌ها
شناسه افزوده	: پناهی، عباس، ۱۳۵۴ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	: DSR1۴۷۱
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۷۵۲۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۰۵۸۲۲
	: Iran - History - Qajars, ۱۷۷۹- ۱۹۲۵ - *Protest movements - Congresses

این اثر با حمایت کنگره ملی شهید میرزا کوچک جنگلی
و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان منتشر شده است.

مجموعه مقالات همایش تبارشناسی

شخصیت میرزا کوچک جنگلی (۱)

به کوشش: دکتر عباس پناهی
ناشر: انتشارات بلور
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱
امور فنی: مؤسسه ساقی
چاپ و صحافی: زیتون
شمارگان: ۵۰۰
قیمت دوره ۲ جلدی: ۴۸۰/۰۰۰ تومان

نشانی: رشت، خیابان امام خمینی، کوی آفرا، جنب مسجد، انتشارات بلور
تلفن: ۰۱۳-۳۳۲۴۵۵۷۵-۰۱۳-۳۳۲۶۲۲۳۲-۰۱۳-۳۳۲۵۱۶۱۷-۰۱۳
همراه: ۰۹۰۲۱۹۷۵۱۲۳-۰۹۰۲۱۹۷۵۱۲۳-۰۹۰۲۱۹۷۵۱۲۳-۰۹۰۲۱۹۷۵۱۲۳
Email: BoloorBook@gmail.com
/BoloorBook
www.BoloorBook.com

فهرست

- مقدمه مدیر کل ۷
- مقدمه ۹
- روایت‌های محلی از مرگ میرزا؛ مورد مطالعه روستای گیلوان ۱۳
سولماز آوریده، حمید عباداللهی چندانق
- میرزا کوچک به مثابه نماد بزرگواری گیلانی ۲۵
مونا اسالم نژاد گیلوانی، سید جواد حسینی رشت آبادی، مرتضی مسرور علی‌نوده‌ی
- ویژگی‌های دیپلماسی انگلستان در برابر نهضت جنگل در ایران، سال‌های: (۱۲۹۰-۱۳۰۰ ش) ۳۹
محمد حسین اسماعیلی سنگری
- حقوق بشر و بازتاب آن بر جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران «جنبش جنگل، حقوق بشر و آزادی‌های عمومی» ۴۹
حمید امیدی
- شیخ عرب جنگلی ۸۳
علی امیری
- حاج احمد کسمایی، مبارز یا فرصت طلب (تعامل و تقابل میرزا کوچک خان و کسمایی) ۹۳
عباس پناهی
- نمادهای گردشگری شهری جنبش جنگل در شهر رشت ۱۱۳
عباس پناهی، مینا علیزاده، روزبه خلیق معینی
- انقلاب بلشویکی و پیدایش کمونیسم در ایران، ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۰ ۱۲۵
پژمان دیلمی

روایت‌های محلی از مرگ میرزا؛ مورد مطالعه: روستای گیلوان
سولماز آوریده^۱، حمید عباداللهی چندانق^۲

چکیده

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد پل ریکور، بر خاطرات آن دسته از اهالی روستای گیلوان متمرکز است که به‌عنوان بازماندگان والدینشان خاطراتی شخصی از ماجرای مرگ میرزا کوچک‌خان جنگلی دارند. روستای گیلوان محلی است که پیکر میرزا نخست به آنجا انتقال پیدا کرد و در آنجا پیکر بی‌سرش به خاک سپرده شد. روش پژوهش میدانی و شیوه گردآوری اطلاعات مصاحبه غیرساختمند بود. شیوه نمونه‌گیری هدفمند و تعداد نمونه‌ها نیز با توجه به قاعده اشباع ۱۲ نفر بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این خاطرات عمدتاً شخصی، به‌جامانده از درگذشتگان و در مواردی حاوی اطلاعات و حقیقت‌هایی است که در منابع تاریخی به آن‌ها اشاره نشده است؛ مانند جزئیات مسیر حرکت میرزا و گائوک آلمانی از ماسال به طرف خلخال برای پیوستن به عظمت‌خانم فولادلو، حاکم خلخال، همچنین وقایع طول مسیر، محل دقیق از پا درآمدن میرزا، تلاش بزرگان منطقه برای نجات جان میرزا و دوستش، شجاعت محبوبه خانم سجادی در برابر قزاق‌های رضا شاه، مکان رها شدن پیکر بی‌سر میرزا در نزدیکی روستای گیلوان، نحوه غسل و دفن میرزا در دو مکان و در نهایت انتقال جسد میرزا به گیلان محور اصلی این خاطرات است.

واژگان کلیدی: جنبش جنگل، خاطره، میرزا کوچک‌خان جنگلی.

۱ - استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل:

avarideh92@pnu.ac.ir

۲- دانشیار و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان. ایمیل: h_ebadollahi@guilan.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

بیش از صد سال از شکست جنبش جنگل و مرگ میرزا کوچک خان جنگلی می‌گذرد. فراز و نشیب‌ها در شیوه یادگری از میرزا کوچک خان جنگلی نشان می‌دهد که چگونه باورها و احساسات ما از جنبش جنگل و رهبر آن تحت تأثیر «یادآوری گذشته» تولید شده و چگونه عناصر متفاوتی از این جنبش در طول زمان برجسته و بخش‌هایی از آن کنار گذاشته شده‌اند. درحقیقت، اگر تاریخ را روایت‌هایی بدانیم که توسط گروه، جمع یا جامعه‌ای مشخص گزینش، یادآوری و بازخوانی می‌گردد (اولیک و رابینز، ۱۱۱، ۱۹۹۸)، «راهبردهای یادآوری» نقشی جز حک کردن وقایع، آن هم به‌گونه‌ای خاص در حافظه جمعی جامعه ندارند) نگاه کنید به ویتروسیوان، ۲۰۰۰). راهبردهای یادگری از میرزا کوچک خان جنگلی در طول صد سال گذشته می‌تواند نمونه‌ای جالب توجه در مطالعات حافظه جمعی ایرانیان قلمداد شود. بی‌توجهی به این شخصیت در تاریخ رسمی قبل از انقلاب و تلاش برای فراموشی یا بازنمایی خاص از او (به‌عنوان یاغی) و برعکس تلاش‌ها برای یادگری و بازنمایی از وی به‌عنوان شخصیتی چپ‌گرا در سال‌های نخست بعد از انقلاب و بعدها به‌عنوان شخصیتی روحانی دلالت بر همین فرازونشیب‌ها در تاریخ رسمی صدساله ما دارد. این در حالی‌ست که در مقابل، «تاریخ از پایین» حامل خاطرات و روایت‌هایی متفاوت از جنبش جنگل و شخص میرزا کوچک خان است؛ خاطراتی که به قول ریکور می‌توانند با روایت شدن از شکل خاطره فردی به شکل خاطره جمعی درآیند و در نهایت وارد تاریخ رسمی شوند. درواقع، به باور وی، تاریخ در مواجهه‌ای انتقادی با خاطرات شخصی می‌تواند اصلاح شود و در این بین، جایگاه شاهدان عینی یا بازماندگان آن‌ها به‌عنوان حاملان خاطرات شخصی از واقعه می‌تواند جایگاهی کلیدی داشته باشند. پژوهش حاضر با چنین رویکردی و با تمرکز بر آن دسته از اهالی روستای گیلوان، که خاطره‌ای شخصی از ماجرای مرگ میرزا کوچک خان جنگلی دارند، صورت گرفته است. شایان ذکر است روستای گیلوان محلی است که پیکر میرزا به همراه هم‌زم آلمانی‌اش نخست به آنجا انتقال پیدا کرد و در آنجا پیکر بی سرش به خاک سپرده شد.

چارچوب نظری تحقیق

رویکرد نظری پژوهش حاضر مبتنی بر نظریات پل ریکور در خصوص خاطره، تاریخ و فراموشی است. بنابراین رویکرد، خاطره و روایت، آنچه در تاریخ رسمی به سکوت واداشته شده‌اند را مجدداً به زبان جاری می‌سازد و فهم متفاوتی از گذشته را امکان‌پذیر می‌سازد. همان‌طوری که پل ریکور متذکر می‌شود مابین خاطره و روایت ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد؛ چرا که با عمل «گفتن» خاطرات فردی، انتقال خاطرات شخصی به دیگران ممکن می‌شود و عملاً خاطره به سوی جمعی شدن نیل می‌کنند. به باور ریکور خاطرات جمعی مجموعه‌ای از یادها هستند که به صورت روایات در اجتماعات وجود دارند. درواقع، «گفتن» کارکردی روایتی دارد که «مرتبه تاریخی» را به «مرتبه خاطره» ربط می‌دهد و دقیقاً به همین دلیل محتوای انتقادی کار تاریخی در درون چارچوب کارکرد روایتی شکل می‌گیرد. تاریخ با استفاده ویژه از «کارکرد روایتی» توانایی فاصله گرفتن از موضوع خود را می‌یابد و در این حالت می‌تواند خصلتی انتقادی بیابد (نگاه کنید به ریکور، ۱۳۷۴). به باور ریکور، با حضور «خاطرات شاهدان وقایع» و گفت‌وگوی آنها با تاریخ است که امکان فهم انتقادی از تاریخ فراهم می‌شود. از نظر ریکور، تاریخ باید خصلتی انتقادی داشته باشد و این امر جز با مواجهه و «گفتن» خاطرات شاهدان ناممکن است.

در پژوهش حاضر، از نگاه انتقادی پل ریکور به تاریخ رسمی و اهمیت خاطره و بیان روایت‌های شاهدان وقایع یا بازماندگان آنها استفاده شده است.

مروری بر پژوهش‌ها

بررسی پیشینه پژوهش‌ها در ارتباط با میرزا کوچک‌خان و جنبش جنگل حاکی از آن است که محققان و پژوهشگران مطالعات زیادی را حول محور میرزا و جنبش جنگل انجام داده‌اند. این پژوهش‌ها عمدتاً با رویکردی کل‌نگرانه، روشنفکرانه و به اصطلاح «تاریخ از بالا» انجام شده است. با عنایت به حجم بالای پژوهش‌های انجام‌شده، در این بخش تنها به جدیدترین تحقیقات انجام‌شده اشاره می‌شود.

پناهی (۱۴۰۱) در پژوهشی با موضوع تحلیل و نقد رویکردهای ملی‌گرایی و تجزیه‌طلبی در نهضت جنگل، به بررسی این موضوع می‌پردازد که «آیا جنگلی‌ها در مسیر هویت ملی گام برداشتند یا در مسیر تجزیه‌طلبی؟» یافته‌های تحقیق با تکیه بر روش

تاریخی، تحلیل محتوا و آرشیوی حاکی از آن است که با وجود ضعف در عملکرد و رفتار سیاسی رهبران این جنبش، جنگلی‌ها در طول دوران نهضت به آرمان‌های خود، که همان وطن‌پرستی، مبارزه با بیگانگان و حفظ استقلال کشورشان بود، وفادار ماندند.

اسماعیلی سنگری (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «گذار از مشروطیت تا معمای اولین جمهوری، مصاف دو سیاست جهانی با پدیده جمهوریّت در جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک‌خان» با تکیه بر روش پژوهش اسنادی در تلاش برای پاسخگویی به سؤال «چرا و چگونه اولین دولت جمهوریّت ایران توسط جنبش جنگل سقوط کرد؟» از رویکرد تبیینی - تفسیری و روش توضیح و تفسیر استفاده می‌کند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که افزایش حساسیت جامعه ایران در گیلان و پایتخت نسبت به دولت موقت میرزا کوچک، همچنین رویارویی دولت قیام جنگل با معمای دولت واهی و بی‌فایده در کنار سیاست سرنگونی دولت انگلیس به سقوط زودهنگام جنبش جنگل کمک کرد.

پناهی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «تأثیر انگلستان بر رویکردهای نظامی، فکری و سیاسی جنبش جنگل»، به بررسی تدابیر انگلیسی‌ها برای ایجاد زمینه‌های ضعف فکری، سیاسی و نظامی نهضت جنگل می‌پردازد. نتایج این تحقیق با استفاده از روش تاریخی، اسنادی و با رویکردی تحلیلی نشان می‌دهد: انگلیسی‌ها در دو مرحله، بانی از هم‌گسیختگی نهضت جنگل شدند؛ مرحله اول در «نبرد منجیل» که منجر به انحلال همبستگی نظامی جنبش و سپس در «قرارداد ترک مخامصه» که باعث از هم‌پاشیدگی ساختار فکری، ایدئولوژیک و پیوستگی درونی نهضت جنگل شد. در واقع انگلستان با اعمال رفتارهای سیاسی و نظامی در برابر جنگلی‌ها، علاوه بر تأمین منافع خود در ایران، گیلان و قفقاز، عامل مؤثر بر ناکامی و شکست جنبش محسوب می‌شود.

آوریده و عباداللهی چندانق (۱۴۰۰) در مقاله‌ای روایت‌های محلی از مناسبات جنبش جنگل با دهقانان، اشراف و هیئت حاکمه ایران را در شهرستان‌های رشت، فومن، شفت و تالش بررسی کردند. چارچوب نظری این پژوهش، رویکرد «چارچوب‌های اجتماعی حافظه» و رویکرد «حال‌گرا» بود و روش به‌کار رفته «میدانی»، ابزار جمع‌آوری اطلاعات «مصاحبه‌های عمیق و غیرساختمند» و روش نمونه‌گیری «نظری» بود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد روایت‌ها از ارتباط جنبش جنگل با اشراف، دهقانان و هیئت حاکمه، توأمان در قالبی حال‌گرایانه و قومی به یاد آورده می‌شدند.

اسماعیلی سنگری (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «نهضت جنگل و گذار از ایدئولوژی پان ترکیسم دولت عثمانی» با استفاده از روش کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی خاستگاه‌ها و گذارهای ایدئولوژیک این نهضت پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد با وجود گذارهای ایدئولوژهای سلطنت، مشروطه، پان ترکیسم عثمانی، مارکسیسم در نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک، گذار ایدئولوژیکی آن از پان ترکیسم دولت عثمانی بر پایه و اساس اعتقاد به وطن‌پرستی، رجحان ایرانیت و حاکمیت ملی در رابطه با ایدئولوژی اتحاد اسلام دولت عثمانی است.

سراجی و قنات (۱۳۹۸) در تحقیقی با موضوع «واکاوی گزارش‌های واقعه ملاسرا و قتل حیدر عمو اوغلو در نهضت جنگل؛ با تکیه بر روش محورهای معنادهی استنفورد»، به طرح این سؤال می‌پردازد که عواملان واقعه ملاسرا و قتل حیدر عمو اوغلی چه افراد یا جناح‌هایی بودند. مؤلفان با بررسی گزارش‌های به‌دست‌آمده مدعی هستند روایت‌کنندگان ماجرا دو دسته هستند: عده‌ای ماجرا را با توجه به اتفاقات قبل و هم‌زمان با رخداد روایت می‌کنند و دسته‌ای دیگر واقعه را با توجه به نتایج آن و یا صرفاً با در نظر گرفتن حوادث مقارن با واقعه گزارش می‌دهند. یافته‌های مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد که برخلاف وجود نواقص در هر کدام از گزارش‌ها، واقعه قتل حیدر عمو اوغلو و واقعه ملاسرا نتیجه مشارکت خواسته یا ناخواسته جناح‌های مختلفی است که با نهضت جنگل ارتباط داشتند. با وجود نقش پررنگ دولت انگلیس در این میان، به نظر می‌رسد بانیان واقعه ملاسرا با قتل حیدر خان بی‌ارتباط نبودند.

زاهد زاهدانی و مسعودی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی نهضت جنگل با تأکید بر ایدئولوژی آن»، با توسل به نظریه زاهد در چارچوب تئوری‌های جنبش اجتماعی، همچنین با استفاده از روش تحقیق تاریخی و استراتژی پس‌کاوی به این نتیجه رسیدند که هرچند نهضت جنگل با ایدئولوژی بسیار نزدیک به ایدئولوژی مشروطه شروع شده بود، ولی در میانه راه دچار انحراف شد و این انحراف در ایدئولوژی اولیه باعث شد قیام جنگل برخلاف موفقیت‌های اولیه، دچار رکود و شکست شود.

روش تحقیق

روش این پژوهش «میدانی»، ابزار جمع‌آوری اطلاعات «مصاحبه غیرساختمند و عمیق» و جامعه آماری، آن دسته از روستاییان روستای گیلوان است که حامل روایت‌هایی از والدینشان درباره میرزا، مرگ و نحوه تدفینش هستند. از بین جامعه آماری، بنابر قاعده اشباع، تعداد ۱۲ نمونه مورد مصاحبه قرار گرفتند. بعد از گوش دادن به خاطرات نمونه‌های مورد مطالعه، روایت‌ها در مورد مرگ میرزا ثبت شد.

جدول شماره (۱) تعداد و مشخصات نمونه‌های مصاحبه‌شده

شماره	نام خانوادگی	سن	محل تولد
۱	صفری	۹۸	گیلوان
۲	سجادی ^۱	۶۲	گیلوان
۳	کریمی	۷۷	اسکستان ^۲
۴	خسروی	۶۳	خللد گیلوان
۵	مشی‌فر	۷۹	گیلوان
۶	نعمت‌پور	۷۷	گیلوان
۷	صالحی	۷۶	گیلوان
۸	اسکندری	۸۵	گیلوان
۹	شمسی ^۳	۸۸	گیلوان
۱۰	محمدی	۸۲	خانقاه گیلوان
۱۱	گلستانی	۸۵	خانقاه گیلوان
۱۲	آذری	۸۸	گیلوان

- ۱- پسر سید مظفرخان سجادی و برادرزاده محبوبه خانم سجادی، که برای نجات جان میرزا خیلی تلاش کردند.
- ۲- سکستان روستایی در شهرستان خلخال، بخش شاهرود قرار دارد. مردم این روستا به زبان تاتی سخن می‌گویند.
- ۳- پدرش ابراهیم شمسی، خیاط بوده و در واقع کفن یا همان عبایی بلند برای جسد میرزا را دوخته است.

یافته‌ها

یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها حاکی از آن است که تقریباً همه فراد مصاحبه شده روایت‌های کمابیش یکسانی از نحوه مرگ میرزا داشتند. این روایت‌ها کاملاً حول واقعه مرگ میرزا، جداسازی سر وی و دفن تن بی سر وی قرار دارد. با وجود شباهت‌ها در «شنیده‌ها از والدین و سالخورده‌گان روستا»، روایت‌های افراد مورد مصاحبه بسیار شخصی بود. در زیر بر مبنای مهم‌ترین مؤلفه‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، یافته‌های پژوهش دسته‌بندی شده‌اند:

الف) حرکت میرزا از ماسال به گیلوان برای پیوستن به عظمت‌خانم فولادلو در خلخال با وجود اینکه در روستای گیلوان روایت‌ها از میرزا کوچک‌خان جنگلی کاملاً بر مرگ وی متمرکز است، اما دلیل مرگ، تلاش وی برای پیوستن به عظمت‌خانم فولادلو، حاکم خلخال عنوان شده‌است.

«میرزا کوچک‌خان و گائوک آلمانی از ماسال حرکت می‌کنند تا به طرف گیلوان بیایند، پیش مرحوم پدرم سید مظفر که دوستش بود. قصدشان از این سفر پیوستن به عظمت‌خانم فولادلو در خلخال این بود که می‌خواستند از طریق پدرم به وی ملحق شوند» (شماره ۲).
«قضیه از این قرار بود که میرزا با رفیقش گائوک آلمانی به خاطر تعقیب رضاخان از راه ماسال می‌آید در ییلاق گیلوان تا خودشان را به عظمت‌خانم فولادلو برسانند» (شماره ۱).

ب) گم کردن راه، دلیل آن و مرگ بر اثر سرما و خستگی در گدیک مرگ میرزا و گائوک آلمانی به دلیل سرما، برف، گرسنگی و خستگی در محلی به نام گدیک در جنگل‌های ییلاقات ماسال به طرف روستای گیلوان، هسته اصلی روایت‌هاست. همه افراد مصاحبه شده به محل واحدی برای درگذشت میرزا اشاره می‌کردند.

«من از مادر و پدرم شنیدم که میرزا در گدیک بر اثر سرما از بین رفت» (شماره ۱۰).

«میرزا در گدیک از بین رفت» (شماره ۸).

«میرزا در گدیک که حد فاصل بین ییلاق ماسال و روستای گیلوان بود، بر اثر سرما و

برف یخ زده بود» (شماره ۴).

نمونه‌های مورد مطالعه معتقد بودند در آن زمان چاروادارها به خاطر در امان بودن از دزدی و چپاول راهزنان سعی می‌کردند از راه اصلی و با کمک نگهبانان خود حرکت کنند.

میرزا از ترس اینکه مبادا همراه چاروادارها جاسوسانی باشد، سعی می‌کند با فاصله زیاد از آنها حرکت کند که در نتیجه راه را گم می‌کند و درگیر کولاک و یخبندان می‌شود. در واقع، میرزا و گائوک آلمانی از راه‌های فرعی و جنگلی به طرف گیلوان حرکت کرده بودند تا به دور از چشم قزاق‌های رضاشاه خودشان را به خلخال نزد عظمت‌خانم فولادلو برسانند. انتخاب راه‌های فرعی و حرکت به دور از افراد دیگر، دلیل گم کردن راه و درنهایت سرمازدگی و مرگ آنها می‌شود.

«گائوک و میرزا به دور از مکاری‌ها حرکت می‌کردند. اما چرا با مکاری‌ها نیامدند، علتش این بود که میرزا می‌ترسید میان مکاری‌ها جاسوسانی باشند که این‌ها را لو دهد و قزاق‌های رضاشاه آنها را دستگیر کنند. در نتیجه با فاصله زیاد از مکاری‌ها حرکت می‌کنند و در نتیجه راه را گم می‌کنند و درگیر برف و کولاک می‌شوند. گائوک آلمانی تلف می‌شود، میرزا هم زیاد تلاش کرد که او را نجات دهد، ولی خسته می‌شود، گائوک را آنجا رها می‌کند و خودش راهی می‌شود و در خط‌الرأس روستای گیلوان و بیلاق ماسال، در محلی به نام گدیک به علت خستگی، سرما و گرسنگی از پا در می‌آید» (شماره ۲).

«میرزا سعی می‌کند دوستش گائوک آلمانی که حالش بد بود را نجات بده که موفق نمی‌شود و خودش هم در محلی به نام گدیک یخ می‌زنه» (شماره ۱).

ج) تلاش‌ها برای نجات میرزا و گائوک آلمانی

گیلوانی‌ها در خاطرات خود به نحوه انتقال پیکر یخ‌زده میرزا به گیلوان و اتفاقاتی که بعد از انتقال جسد میرزا از گدیک به گیلوان افتاد اشاره‌هایی داشتند. مصاحبه‌شونده‌ها در سخنان خود از تلاش مردم روستای گیلوان و اقداماتی که برای نجات جان میرزا انجام می‌گرفته است نقل می‌کردند.

«پدرم از اینجا حدود ۲۰ تا ۲۷ نفر را برای کمک می‌فرستد، آنها میرزا و گائوک را می‌آورند وسط روستای ما، محلی به نام نوده، میرزا را در آن مسیر می‌گذارند و چون امکانات پزشکی وجود نداشت، آزمایش‌های مختلفی برای اینکه بفهمند زنده هست انجام می‌دهند، مثلاً آینه جلوی دهن میرزا می‌گذارند یا سیگار روشن به کف پاش می‌زنند. نهایتاً هر دوی آنها را داخل پشگل گوسفند دفن می‌کردند تا به وسیله حرارت پشگل گوسفند بتواند آنها را گرم و زنده کنند. این کارها را انجام می‌دهند و متوجه می‌شوند که متأسفانه هر دو مرده‌اند. دو شبانه روز در مسجد ما آنها را نگه می‌دارند» (شماره ۲).

«آورده بودند در روستای گیلوان یکی دو شبانه روز در پشگل حیوانی گذاشته بودند که زنده شوند، ولی زنده نشدند» (شماره ۴).

د) تلاش نیروهای قزاق برای انتقال پیکر میرزا، مقاومت‌های محلی و جدا کردن سر میرزا از جسم بی‌جان‌ش در روستای خانقاه

در مصاحبه‌ها از شجاعت زنی به نام محبوبه خانم سجادی یاد می‌شود که گویا اجازه حمل جنازه میرزا را به قزاق‌ها نمی‌داد تا اینکه در درگیری قزاق‌ها با گیلوانی‌ها تیری به دست محبوبه خانم اصابت می‌کند و مظفرخان وقتی متوجه می‌شود که ممکن است این درگیری به قتل و کشتار دسته‌جمعی بینجامد، اجازه می‌دهد قزاق‌های رضا شاه جنازه میرزا را با خود ببرند. ولی گویا آن‌ها نتوانستند جسد میرزا را با خود حمل کنند و مجبور می‌شوند در محلی به نام خانقاه گیلوان سر میرزا را از تن جدا کنند و سر میرزا را با خود به گیلان ببرند؛ در نتیجه جسد میرزا در گیلوان دفن می‌شود.

«تا اینکه فردا قزاق‌ها آمدند و یک محبوبه خانمی بود خواهر مظفرخان که گفت من اجازه نمی‌دهم این جنازه را پیش رضاخان ببرید. حتی قزاق‌ها تیری هم به دست محبوبه زدند و او زخمی شد... مظفرخان وقتی دید که جماعت آن‌ها بیشتر از تعداد قزاق‌های دولتی است و ممکن است کشت و کشتار اتفاق بیفتد، دستور داد که کاری نداشته باشند و اجازه دهند که جنازه میرزا را ببرند. ولی آن‌ها سر میرزا را بردند و جسد میرزا را در همان دره، نزدیکی خانقاه گیلوان گذاشتند» (شماره ۱).

«پیکر میرزا را تا روستای خانقاه آوردند و در آنجا شخصی به نام رضا اسکستانی، که از مکاری‌ها بود، با دستور قزاق‌های رضاخان سرش را از بدن جدا کرد» (شماره ۱۰).

«سر میرزا را در خانقاه از تن جدا کردند» (شماره ۸).

ه) تدفین پیکر بی سر میرزا در قبرستان روستای خانقاه، نبش قبر و انتقال پیکر برای غسل و دفن در قبرستان روستای گیلوان

خاطرات گیلوانی‌ها حکایت از آن دارد که بعد از اینکه قزاق‌ها جسد میرزا را در خانقاه گیلوان رها می‌کنند، عده‌ای جسم بی سر میرزا را با لباس در قبرستان خانقاه به خاک می‌سپارند، بعدها مظفرخان و افرادش جسد میرزا را بیرون آوردند و غسل دادند و سپس در قبرستان گیلوان دفن کردند.

«میرزا اول با لباس در خانقاه دفن بوده، بعدها میرزا را از قبرستان خانقاه به قبرستان گیلوان بردند» (شماره ۱۰).

«جسد بدون سر را با لباس در خانقاه دفن کردند. بعداً میرزا را آوردند در قبرستان قدیمی گیلوان دفن کردند» (شماره ۸).

«او را در خانقاه دفن کرده بودند، در کنار مزار امامزاده عین‌اله، در کنار سیدها و افراد دیگر این منطقه. مثل اینکه بعدها آوردند در قبرستان گیلوان گذاشتند. در حال حاضر جای قبرش در قبرستان خانقاه مشخص نیست» (شماره ۱۲).

و) انتقال پیکر بی سر میرزا از قبرستان روستای گیلوان به سلیمانداراب
عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان در خاطرات خود اشاره می‌کردند جسد میرزا کوچک‌خان بعد از مدت‌ها^۱ به‌طور شبانه و مخفیانه از گیلوان به سلیمانداراب منتقل شد.
«بعد از گذشت چند سال، استخوان‌های میرزا را به رشت انتقال دادند. دو برادر به نام یداله و قدرت‌اله عین‌اللهی به‌دستور انعام قلی ماسالی، که اربابشان بود، شبانه جسد میرزا را درآوردند. و به رشت بردند» (شماره ۶).

«جسد میرزا توسط عین‌اللهی که رعیت انعام قلی ماسالی بود به گیلان منتقل شد. آن‌ها برای شناخت قبر میرزا، پدر پیرم را به قبرستان گیلوان برند. الان دقیق نمی‌دانیم که جنازه میرزا را بردند یا جنازه فرد دیگری را، چون شبانه این کار را انجام داده بودند» (شماره ۹).
«چون انعام قلی ماسالی اینجا کارگر و رعیت زیادی داشت، به‌وسیله آن‌ها جسد میرزا را به گیلان انتقال دادند. انعام قلی مالک اینجا بود. الان در قبر میرزا، خانم جوجو انصاری دفن است» (شماره ۱).

نتیجه‌گیری

بررسی خاطرات مردم محلی و قدیمی روستای گیلوان از میرزا کوچک‌خان جنگلی و جنبش جنگل نشان می‌دهد این خاطرات تنها حول واقعه مرگ میرزا و یار آلمانی‌اش متمرکز است. این خاطرات، عمدتاً شخصی و به‌جامانده از والدین یا پدربزرگ مصاحبه‌شوندگان است و در مواردی حاوی اطلاعات و حقیقت‌هایی است که در منابع تاریخی به آن‌ها اشاره نشده‌است. این خاطرات حاوی جزئیات دقیقی است از جمله مسیر حرکت میرزا و دوستش گائوک آلمانی از ماسال به طرف خلخال برای پیوستن به

۶- پیکر میرزا در سال ۱۳۲۰ از محل دفن آن به سلیمانداراب انتقال یافت (نگاه کنید به دوانی، علی، ۱۳۹۴).

عظمت خانم فولادلو، حاکم خلخال، وقایعی که در طی مسیر برای میرزا و دوستش اتفاق می افتد، محل از پا درآمدن میرزا، تلاش بزرگان منطقه برای نجات جان میرزا و دوستش، شجاعت محبوبه خانم سجادی در برابر قزاق‌های رضا شاه، مکان رها شدن پیکر بی سر میرزا در نزدیکی روستای خانقاه، نحوه غسل و دفن میرزا در دو روستای خانقاه و گیلوان و در نهایت به انتقال جسد میرزا به گیلان اشاره می کند.

با تحلیل و تبیین یافته‌های تحقیق به این نتیجه می رسیم که روایت مردم روستای گیلوان از مرگ میرزا در قالب شرح دقیق و جزء به جزء آن اشاره به خاطرات شخصی افرادی دارد که کمتر در اسناد قابل دسترس به چشم می خورد. به نظر می رسد بعضی از مباحث و گفتنی‌ها را نمی شود از خاطره به تاریخ انتقال داد، به همین دلیل همیشه میان تاریخ نگاران و کسانی که شاهد وقایع بوده اند، نزاعی درمی گیرد. در خاطرات دغدغه‌ها و دردهای گذشته است که بر یادآوری وقایع در زمان حال تأثیر می گذارد؛ اشاره شفاهی و حتی عینی به مکانی که جسد بدون سر میرزا در آن رها شده بود، توسط اهالی روستای گیلوان نشان از درد و زخمی است که هنوز ترمیم نشده و هر بار با یادآوری مرگ میرزا در ذهنشان تداعی می شود. این درحالی است که تاریخ نویس یا مورخ برای درمان زخم‌های خاطره از رویدادها فاصله می گیرد. در واقع مورخ در مورد تمام رویدادها صحبت نمی کند، بلکه او در میان رویدادها دست به گزینش می زند، آن رویدادی که مهم و با ارزش است را انتخاب و وقایع را به نوعی دیگر بازگو می کند و این عمل در مورد تاریخ مرگ میرزا هم می تواند صادق باشد. نگرانی قدیمی‌های روستای گیلوان در مورد اینکه جوانان این محل بعد از مرگ ما با ندیدن مقبره چوبی میرزا و قبرش از او هیچ خاطره‌ای نخواهند داشت، مؤید این نکته است که با از بین رفتن خاطرات و نشانه‌های آن، فراموشی در تاریخ آن منطقه اتفاق می افتاد.

منابع

- Olick, J.k.; Robbins, J.(1998), "Social memory studies", Annual Review of Sociology, 24(1):105-41.
- Winter, Jay and Emmanuel Sivan.(2000), "Setting the framework", in Jay Winter Emmanuel Sivan (eds.), War and Remembrance in the Twentieth Century(pp.6-39), Cambridge University Press.

- ریکور، پل، (۱۳۷۴)، «تاریخ، خاطره، فراموشی»، مجله گفتگو، شماره ۸: ۵۹-۴۷
- پناهی، عباس، (۱۴۰۱)، «تحلیل و نقد رویکردهای ملی‌گرایی و تجزیه‌طلبی در نهضت جنگل»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۲۳، شماره پیاپی (۹۱)، شماره ۳: ۱۶۹-۱۵۱.
- اسماعیلی سنگری، محمد حسین، (۱۴۰۰)، «گذار از مشروطیت تا معمای اولین جمهوری، مصاف دو سیاست جهانی با پدیده جمهوریت در جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان»، دوفصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۹، شماره ۱: ۸۰-۵۷.
- پناهی، عباس، (۱۴۰۰)، «تأثیر انگلستان بر رویکردهای نظامی، فکری و سیاسی جنبش جنگل»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۱۵، شماره ۲۹: ۱۶۰-۱۳۱.
- آوریده، سولماز و عباداللهی چندانق، حمید، (۱۴۰۰)، «روایت‌های محلی از مناسبات جنبش جنگل با دهقانان، اشراف و هیات حاکمه ایران؛ مطالعه‌ای در شهرستان رشت، فومن، شفت و تالش»، مجموعه مقالات چاپ‌شده در همایش بین‌المللی بازتاب‌های داخلی و بین‌المللی جنبش جنگل، ۲۴ آذر ۱۴۰۰، دانشگاه گیلان: ۲۱-۱۰.
- اسماعیلی سنگری، محمد حسین، (۱۳۹۹)، «نهضت جنگل و گذار از ایدئولوژی پان ترکیسم دولت عثمانی»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال ۴، شماره اول (پیاپی ۱۳): ۲۲۶-۲۰۸.
- سراجی، بشیر و قنوت، عبدالرحیم، (۱۳۹۸)، «واکاوی گزارش‌های واقعه ملاسرا و قتل حیدر عمو اوغلو در نهضت جنگل؛ با تکیه بر روش محورهای معنادهی استنفورد»، مطالعات تاریخی جنگ، دوره سوم، شماره ۳ (پیاپی ۹): ۷۲-۴۱.
- زاهد زاهدانی، سید سعید و مسعودی، سید اسماعیل، (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی نهضت جنگل با تأکید بر ایدئولوژی آن»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره پیاپی (۶۰)، شماره ۴: ۱۶۵-۱۸۴.
- دوانی، علی، (۱۳۹۴)، نهضت روحانیون ایران، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.